



سید حسین موسویان در گفت‌وگو با «ایران» روایت کرد

داستان یک دسیسه هسته‌ای

-حق غنی‌سازی ایران با خروج آمریکا و حتی اروپا از برجام، لطمه نمی‌بیند - آمریکا به‌خاطر مسائل منطقه‌ای و نه به‌دلیل هسته‌ای از برجام خارج شد - پس از خروج آمریکا از برجام، ایران باید برای مدیریت صلح در بحران‌های منطقه ابتکارات جدیدی به خرج دهد

مریم سالاری

روزنامه نگار

با حسین موسویان، دیپلمات سابق ایران و استاد کنونی دانشگاه پرینستون در آستانه سالروز انتخابات ریاست جمهوری گفت‌وگو کردیم. انتخاباتی که مردم در آن با امید، رأی به تدبیر دادند تا سیاست خارجی راه دشواری را که از سال 92 با تنش‌زدایی آغاز کرده بود، ادامه دهد. چه در امتداد این مسیر بود که حل موضوع هسته‌ای و رسیدن به برجام بر قلب اجماع کشورهای غربی نشست و مرهمی بر زخم‌های ناشی از تحریم‌های همه‌جانبه و فلج‌کننده حاصل از آن شد. با این وجود بدعهدی‌های قابل انتظار آمریکا و تهدیدات تکراری این کشور در عصر ترامپ دستمایه نگرانی‌ها از فروپاشی توافق هسته‌ای شده است. رویدادی که موسویان معتقد است بیش از آنکه تهدیدی برای منافع ملی ایران باشد به مثابه فرصتی است که دولتمردان جمهوری اسلامی باید از آن برای منزوی کردن آمریکا بهره ببرند.

مهم‌ترین شعار آقای روحانی در سال 92 و در امتداد آن سال 96 تنش‌زدایی با جهان خارج بود. چه بخش‌هایی از این شعار تحقق یافت؟ سیاست تنش‌زدایی، اساس سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب بود. منتهی رویکرد دولت‌ها در پیگیری آن متفاوت بود و برخی وقت‌ها این روش‌ها نتیجه عکس داشت اما دولت آقای روحانی این سیاست را به درستی اجرا کرد و در سطح بالایی هم موفق بود زیرا زمانی که ایشان قدرت را در دست گرفت، ایران به واسطه موضوع هسته‌ای در کانون تنش و تنش با دنیا قرار داشت. در قالب موضوع هسته‌ای، پرونده ایران ذیل فصل هفت منشور سازمان ملل روی میز شورای امنیت قرار گرفته بود و از نظر قدرت‌های جهانی و شورای امنیت به عنوان کشور تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌الملل به رسمیت شناخته شده بود. بنابراین وقتی کشوری از طرف عالی‌ترین مرجع سیاسی حقوقی و امنیتی جهان به عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌الملل شناخته می‌شود، در عرصه رقابت خارجی هم عملاً تحت تنش و فشاری زیادی قرار می‌گیرد. به نظرم با مدیریت عالی که مجموعه نظام در مورد پرونده هسته‌ای داشت، ایران از دستور کار شورای امنیت و فصل هفت منشور خارج شد و بعد از شروع به کار دولت روحانی، دیگر جامعه بین‌الملل و شورای امنیت به ایران به عنوان یک کشور تهدیدکننده صلح نگاه نکرد. بنابراین اساس تنش‌زدایی در دولت ایشان با این اقدام آغاز شد اما خب دیدیم در امتداد حل این موضوع روابط ما با بسیاری از کشورها از جمله، کشورهای آسیا و اروپا تلطیف و روابط سیاسی در عالی‌ترین سطوح برقرار شد و سطح مناسبات ما تقریباً بعد از انقلاب اگر نگوئیم بی نظیر، اما به سطح کم نظیری رسید. بنابراین باید بپذیریم اساس تنش‌زدایی مسیر درستی بود و دستاوردهای خوبی هم برای مجموعه نظام داشت.

دولت در تحقق بخشیدن به رویکرد تنش‌زدایی با چه موانعی روبه‌رو شد؟

ایران با توجه به رویکرد جدیدی که برای ترمیم روابطش با دنیا در پیش گرفت، در تنش‌های پیش آمده واقعاً مقصر نیست. دشمنی‌ای که عربستان با ایران پیدا کرده و اسرائیل آن را تشدید نموده، روی کار آمدن ترامپ و رویکرد نئوکان‌های آمریکا و تندترین سیاستمداران آمریکا علیه ایران، اتخاذ سیاست تغییر رژیم و فعال شدن مثلثی که بین آمریکا، عربستان و اسرائیل تشکیل شده نه به خاطر سیاست‌های اشتباه ایران بلکه به خاطر موفقیت‌های آن و افزایش نقش و نفوذش در منطقه است. چرا که رقبای اصلی ایران بویژه عربستان و اسرائیل نمی‌توانند نقش و جایگاه ایران در منطقه را تحمل کنند بنابراین دست به یک سازماندهی گسترده منطقه‌ای و جهانی برای مقابله با آن زدند که طبیعتاً درون این سیاست، تنش نهفته است. اینجا نمی‌توانیم دولت آقای روحانی یا مجموعه نظام را

مقصر بدانیم.

با وجود این موفقیت هایی که اشاره کردید، به نظر می‌رسد خروج امریکا از برجام باعث شده تا برخی از محافل سیاسی داخل به الگوی دیپلماسی به دیده تردید نگاه کنند. چنان که می‌گویند دیپلماسی به پایان خود رسیده است و ایران باید راه دیگری را در مواجهه با پیامدهای خروج امریکا از برجام برگزیند.

این نظریه اشتباه است زیرا اولاً با برجام اجماع بین‌المللی علیه ایران شکست و با خروج امریکا از برجام شکاف در جامعه بین‌المللی گسترش یافته است یعنی نه تنها اجماعی وجود ندارد بلکه همه قدرتهای جهان و همه بلوک‌های قدرت اعم از چین، روسیه و اروپا با خروج امریکا مخالفند. یعنی امریکا، عربستان، اسرائیل و امارات با بحرین یک طرف هستند و حدود 200 کشور دیگر دنیا هم در طرف دیگر هستند. شاید ما هیچ گاه این تعداد کشور حامی سیاست ایران در مقابل امریکا نداشتیم بنابراین اینکه بگوئیم با خروج امریکا تنش‌زدایی شکست خورد، اشتباه است. نکته دوم اینکه خب اساس بحران هسته‌ای ایران مبتنی بر اصل «غنی‌سازی» بود. برخی وقت‌ها که بحث‌های داخلی را درباره برجام می‌بینم، متعجب می‌شوم. درباره همه چیز صحبت می‌کنند به جز اصل موضوع.

ما سال 1382 با جامعه جهانی وارد یک بحرانی شدیم که اساس این بحران به خاطر غنی‌سازی و آب سنگین بود. مجموعه نظام 12 سال سنگین‌ترین چالش دیپلماسی تاریخ را به خاطر جدال با جامعه جهانی در مورد حق غنی‌سازی و آب سنگین تحمل کرد. حال آنکه ایران با برجام، هم حق غنی‌سازی و هم آب سنگین را گرفت و هم درهای بنیان تکنولوژی هسته‌ای صلح‌آمیز به سمت ایران باز شد. دعوای ما راجع به غنی‌سازی بود. ما این دعوا را با برجام بردیم. امروز هم با خروج امریکا از این توافق غنی‌سازی و آب سنگین ایران مورد چالش قرار نگرفته و مورد دعوا نیست. فقط اسرائیل است که با نمایش نتایج هم‌چنان ایران را متهم به ساخت سلاح هسته‌ای می‌کند. دیدیم حتی بعد از نمایش اخیر نتایج روسیه، چین، اروپا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همه موضع گرفتند و اعتراف کردند برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است بنابراین یادمان نرود اصل دعوا در مورد غنی‌سازی بود حتی اگر امروز اروپا هم از برجام خارج شود، این اصل ایران مورد تصویب شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفت و این حق دیگر قابل چالش نیست و برگشت‌پذیر نخواهد بود. اما باوجود این دستاوردها بدون تردید خروج امریکا از برجام موانعی را برای بهره‌گیری تمام و کمال ایران از مزایای اقتصادی این توافق به‌وجود می‌آورد که بسیاری را برای پابرجا ماندن آن دچار تردید کرده است، ارزیابی شما چیست؟

مشکل ما الان چند قسمت است یک قسمت به مسائل اقتصادی و تحریم‌ها برمی‌گردد. تحریم‌های غیرهسته‌ای که از پیش از بحران هسته‌ای علیه ایران توسط امریکا و برخی از کشورهای اروپایی اعمال می‌شد و ربطی به موضوع هسته‌ای نداشت، سرچایش است. دوم بعد از اینکه امریکا از برجام خارج شد قصد دارد تحریم‌های ثانویه را هم اعمال کند بنابراین یک چالشی برای منافع اقتصادی ایران در برجام به وجود آورده است، سوم اینکه دعوای جدید ما با امریکا درباره موضوع هسته‌ای نیست. نباید یادمان برود دعوا الان سر مسائل منطقه است. امریکا به خاطر مسائل منطقه‌ای و نه به دلیل هسته‌ای از برجام خارج شد یعنی برای مقابله با ایران از توافق کناره‌گیری کرد تا یک اجماع بین‌المللی برای ضربه به منافع ایران در منطقه به وجود آورد. بنابراین بحران جدیدی که ایجاد شده به رهبری امریکا، اسرائیل و عربستان است و واقعاً فراتر از موضوع هسته‌ای است و ربطی هم به برجام ندارد.

دیپلماسی در چنین نقطه‌ای که موضوع اختلافات ایران و امریکا چنین در هم تنیده است، چگونه می‌تواند گره‌گشایی کند؟ برخی معتقدند که ترامپ در پی تهدیدها و فشارهای خود به دنبال گفت‌وگو با ایران است.

این تصمیم نظام است که با ترامپ گفت‌وگو کند. آقای روحانی تردید ندارد که نظام هم در این مورد مخالف است و اگر گفت‌وگو کند در داخل با یک چالش بسیار جدی مواجه می‌شود زیرا در داخل اجماعی پیرامون این موضوع وجود ندارد. شخصاً معتقدم شرایط برای گفت‌وگو با ترامپ مناسب نیست وقتی او از برجام خارج می‌شود و می‌گوید من به جنگ منطقه‌ای ایران می‌روم و نیروهای خود را بسیج می‌کند و بعد تهدید می‌کند که با سیاست فشار، ایران را به پای میز مذاکره می‌آورد، اگر ما در چنین شرایطی مذاکره کنیم تصورش این خواهد بود که ایران به خاطر فشار مذاکره می‌کند بنابراین به سیاست فشار در دنیا علیه ایران مشروعیت خواهد بخشید و می‌گوید راه حل تسلیم شدن ایران، اعمال فشار است. به همین دلیل الان شرایط را مناسب نمی‌دانم منتهی تمام دیپلماسی منحصر به این نیست و نخواهد بود که ما با ترامپ مذاکره مستقیم داشته باشیم یا نداشته باشیم به هر حال امریکا از برجام خارج شده و یک اجماع جهانی علیه این کشور در حمایت از ایران و برجام وجود دارد و این اجماع، خود یک فرصتی است که شاید در گذشته هیچ وقت نداشتیم. اگر ایران بخواهد صرفاً درباره برجام با قدرتهای اروپایی و چین و روسیه مذاکره کند کار درستی است و باید این مسیر را ادامه دهد تا این توافق را حفظ کند.

یعنی می‌توان امیدوار بود که ایران تهدید خروج امریکا از برجام را به فرصتی برای پیگیری سیاست‌های تعامل جویانه‌اش با جهان تبدیل کند؟

مثلاً امریکا- عربستان- اسرائیل برای مقابله با جایگاه و نفوذ منطقه‌ای ایران یک مسأله بسیار جدی است و ریسک‌های جدی را پیش پای ایران گذاشته است اما حرف من این است تمام این ماجرا سراسر تهدید نیست چون به خاطر برجام، قدرتهای جهانی متفقاً در مقابل امریکا ایستادند و با ایران در دفاع از برجام همراه شدند. شکافی که بین قدرتهای بین‌المللی علیه امریکا به وجود آمده و

انزوایی که این کشور در مجمع قدرتهای جهانی پیدا کرده بعد از انقلاب بی سابقه است بنابراین اینجا یک فرصتی برای ایران ایجاد شده که با استفاده از برجام و شکاف ایجاد شده و انزوای امریکا بتواند ابتکارات جدیدی را در گفت و گو با قدرتهای جهانی برای مدیریت صلح در بحرانهای منطقه به خرج دهد اگر بتوانیم این ابتکارات را فعال کنیم علاوه بر اینکه انزوای امریکا را تشدید کرده می توانیم هم رابطه ایران با جامعه جهانی و ماندگاری برجام را تقویت کنیم و هم قدرت و نقش منطقه ای ایران را افزایش دهیم.

ما در مورد منطقه باید وارد یک ابتکارات صلح جدید شویم. ایران در منطقه نفوذ و شناخت دارد و راهکارهای جدیدی را برای حل بحرانهای منطقه می تواند ارائه کند. در همین چارچوب می تواند با قدرتهای منطقه ای هم گفت و گو کند. ما با عربستان و امارات مشکل داریم اما با همه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که مشکل نداریم. با قطر، عمان، کویت، ترکیه، پاکستان و عراق رابطه خوبی داریم و می توانیم در مشورت هایی که با روسیه و چین و قدرتهای جهانی داریم، ابتکارات جدیدی خرج دهیم و ابتکارات خود را در سطح بین الملل و حتی سازمان ملل فعال کنیم.

توان اروپا را برای حفظ برجام بدون امریکا چگونه ارزیابی می کنید؟

اصلاً نباید این طور فکر کرد که اروپا به تنهایی می تواند دوام بیاورد. ما باید الان به دنبال ایجاد اتحاد بین «4+1» باشیم، الان 5 قدرت جهانی چین، روسیه، آلمان، انگلیس و فرانسه متفقاً پشت برجام هستند و هیچ یک به تنهایی نمی توانند در برابر امریکا از برجام دفاع کنند لذا باید استراتژی مان ایجاد اجماع و همبستگی بین این 5 قدرت باشد.

فکر می کنم شانس خوبی برای حفظ برجام وجود دارد. مردم، تصمیم گیران و مجموعه حاکمیت نباید فراموش کند که اصل دعوای ما با جامعه جهانی در زمینه موضوع هسته ای بر سر غنی سازی بود و الان هم که امریکا خارج شده حق غنی سازی ما مورد چالش قرار نگرفته است. یعنی غنی سازی بازی را برده و جامعه جهانی الان هیچ مسأله ای با آن ندارد اگر هم مشکلاتی برای برجام به وجود بیاید در ابعاد تحریم های اقتصادی است و نه درباره اصل غنی سازی و تکنولوژی های هسته ای ایران. تحریم های امریکا طبیعتاً باعث خواهد شد اروپایی ها مقداری در رابطه اقتصادی با ایران محتاط تر شوند. یک دوره احتیاط را طی خواهیم کرد اما اگر بتوانیم اجماع 5 قدرت جهانی را تقویت کنیم و ایران هم به تعهدات خود در قالب برجام با قدرت ادامه دهد و ابتکارات جدید مدیریت صلح با قدرتهای منطقه ای و جهانی را به دست گیرد، هم می تواند برجام را حفظ کند و انزوای امریکا را بیشتر کند و هم توان منطقه ای اش را تقویت کند.



سید حسین موسویان در گفت‌وگو با «ایران» روایت کرد

داستان یک دسیسه هسته‌ای

علی محمدی / ایران

« - حق غنی‌سازی ایران با خروج امریکا و حتی اروپا از برجام، لطمه نمی‌بیند
 - امریکا به خاطر مسائل منطقه‌ای و نه به دلیل هسته‌ای از برجام خارج شد
 - پس از خروج امریکا از برجام، ایران باید برای مدیریت صلح در بحران‌های
 منطقه ابتکارات جدیدی به خرج دهد

۲

<http://iran-newspaper.com/newspaper/page/6784/1/467864/0> آدرس مطلب